

ریاست جمهوری زنان

دکتر جمیله کدیور

است از:

- تدوین کنندگان قانون اساسی آشکارا منظور خود را از واژه «رجل» اعلام نکرده‌اند؛

- در عرف، مراد از رجل سیاسی- مذهبی، شخصیت سیاسی- مذهبی به گونه عام، چه زن و چه مرد است؛

- در ادوار گذشته انتخابات عرف و روشی از جهت رد صلاحیت زنان به حیث مرد نبودن پا نگرفته است.

هر چند بر پایه اصل ۹۸ قانون اساسی وظیفه تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است^۱ - و این تفسیر تا امروز در رابطه با اصل ۱۱۵ قانون اساسی و پیرامون بحث «رجل» انجام نشده است - ولی این، مانع پرداختن به مباحث مطرح در جامعه با رویکردی علمی نخواهد بود.

در این مقاله که نقطه آغازی است برای طرح جامع تر و دقیق تر موضوع از سوی صاحب نظران، تلاش شده با توجه به شباهتی که در جامعه - چه نزد نخبگان و چه توده مردمان - پیرامون این موضوع دیده می شود، نگاهی به پیشینه تصویب اصل ۱۱۵ قانون اساسی و مباحث مطرح شده نشستهای مورد نظر افکنده شود.

در شرایطی که به نظر می رسد شورای نگهبان از تفسیر مستقیم اصل ۱۱۵ پرهیز دارد و سخنگوی پیشین این شورا بی در نظر گرفتن فرایند تفسیر اصول قانون اساسی از سوی

پیش گفتار

آیا واگذاری مسئولیت ریاست حکومت به زنان منافاتی با شرع و قانون دارد؟ آیا زنان نیز در ایران می توانند رئیس جمهوری شوند؟ آیا اصل ۱۱۵ قانون اساسی که شرایط رئیس جمهوری را بعنوان يك رجل مذهبی و سیاسی با برخی ویژگی ها مورد اشاره قرار می دهد، منعی برای حضور زنان در عرصه ریاست جمهوری است؟ منظور واقعی تدوین کنندگان قانون اساسی از رجل مذهبی و سیاسی چه بوده است؟ آیا عرف و روش در ادوار گذشته انتخابات ریاست جمهوری، می تواند مبنایی برای تأیید یا رد زنان در انتخابات ریاست جمهوری باشد؟ ...

این پرسشها، پرسشهایی بنیادی است که سالهاست توجه جامعه زنان را به خود معطوف داشته است، بی آنکه پاسخ روشنی گرفته باشد. این بحثها بویژه در ماههایی که به انتخابات ریاست جمهوری در کشور نزدیکتر می شود، گرم تر و حساس تر است.

فرض این مقاله که رویکردی تلفیقی (تاریخی- فقهی) به موضوعی سیاسی دارد، آن است که بر پایه آموزه های دینی و آرای مذهبی، زنان صلاحیت پذیرش مسئولیت ریاست و حکومت را دارند. فرض های فرعی این پژوهش عبارت

تصویب این قانون بپردازیم و دلایل موافقان و مخالفان را ارزیابی کنیم.

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و اصل ۱۱۵

در نشست چهارم و پنجم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هنگامی که نوبت به بحث و رأی گیری درباره اصل مرتبط با ویژگیهای رئیس جمهوری رسید، نایب رئیس مجلس آن را به نشست بعدی موکول کرد و گفت:

«اصل ۸۹ مربوط می شود به خصوصیات رئیس جمهور که امروز مقدار زیادی رویش بحث شد و چون به نتیجه نهایی نرسیدیم، قرار شد فردا صبح نیم ساعت وقت صرف کنیم، بلکه به یک نتیجه نهایی برسیم. بنابراین، این اصل آماده نشد...»^۷

نکته مهم آن است که شاید مباحث مورد اشاره نایب رئیس مجلس، مباحث مطرح شده در جلسات کمیسیون های هفت گانه یا کمیسیون مشترک یا شورای هماهنگی بوده است، چون در متن مجموعه چهار جلدی مشروح مذاکرات جلسات علنی، اثری از این بحث و گفتگوها در جلسه مورد نظر به چشم نمی خورد.

گفتنی است که اصل ۸۸ (اصل ۱۳ کنونی) نیز که رئیس جمهوری را پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور می داند که مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد، در جلسه قبلی به تصویب رسیده بود.^۸ در ادامه نشست چهارم و پنجم، اصول دیگر یعنی اصل ۹۰ (۱۱۴ کنونی)، اصل ۹۱ (۱۱۶ کنونی)، ۹۲ (۱۱۷ کنونی)، ۹۳ (۱۱۸ کنونی)، ۹۴ (۱۱۹ کنونی)، ۹۵ (۱۲۰ کنونی) تصویب شد. در پایان این نشست، نایب رئیس گفت که اصل ۹۶ مربوط است به سوگند که چون متن سوگندنامه را آقایان تهیه نکرده اند، به فردا موکول می شود و سرانجام در نشست ۴۶ این اصل (اصل ۹۶) زیر عنوان اصل ۸۹ (اصل ۱۲۱ کنونی) مطرح می شود: نایب رئیس در آغاز نشست یاد شده گفت:

«دستور جلسه امروز مشتمل بر هفت اصل خدمت دوستان است اول اصل ۸۹ است که در ردیف اصولی که داشتیم، قرار داشت، مربوط به سوگند

شورای نگهبان به روشی^۲ اشاره کرده است که نمی تواند مبنای تحلیل باشد، تبارشناسی این اصل اهمیت دوچندان می یابد.

به سخن دیگر، صرف ورود زانی که بیشتر شخصیت هایی غیر سیاسی شناخته می شده اند به میدان انتخابات در گذشته و رد صلاحیت آنان، نمی تواند موجد و زمینه ساز شیوه ای در این زمینه و راهنمایی برای آینده دانسته شود.

از سال ۱۳۷۶ که خانم اعظم طالقانی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم اعلام آمادگی و خود را نامزد کرد و هدف خود را از این کار نمادین، روشن نمودن تکلیف «رجال» عنوان کرد^۳، تا انتخابات هشتم که نزدیک به ۵۰ زن خود را نامزد ورود به این عرصه کردند و تا امروز که انتخابات نهم ریاست جمهوری برگزار شده و در آن بیش از ۱۰۰ زن خود را نامزد کرده بودند، با وجود تلاش فعالان سیاسی زن، هنوز تکلیف «رجال» روشن نشده است.

هرچند رد صلاحیت زنان بعنوان نامزد ریاست جمهوری در دوره های گذشته نه به حیث زن بودن، بلکه به دلایلی دیگر عنوان شده است^۴، به نظر می رسد شورای نگهبان در مقام تنها متولی تفسیر قانون اساسی، به علل گوناگون داخلی یا خارجی، به تفسیر اصل ۱۱۵ نپرداخته است.

بر پایه اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.^۵

نظریات ناهماهنگ و گاه متناقض سخنگوی شورای نگهبان در گذشته نیز تنها نظر هایی شخصی شمرده می شود، و از دید قانونی نمی تواند بیانگر دیدگاه رسمی شورای نگهبان در این زمینه باشد.^۶

در همان حال، فعالان زن نیز نگرانند که مبادا در شورای نگهبان، با تفسیری یکسره مضیق، محدود و بسته، هر گونه فرصت عملی از آنان در این زمینه گرفته شود.

برای روشن شدن بحث، لازم است به بررسی دیدگاه نمایندگان مجلس بررسی کننده قانون اساسی به هنگام

رئیس جمهور است و چون متن سوگندنامه کامل

نشده بود، موکول شد به امروز...»^{۱۰}

بدین سان بر پایه مذاکرات در نشست ۴۵، درباره اصل ۸۹ (ویژگیهای رئیس جمهوری) در نشست ۴۶ با عنوان سوگندنامه رئیس جمهوری رأی گیری شد و پس از سخنان موافقان و مخالفان، این اصل به تصویب رسید.

در ادامه این نشست اصول ۹۶ (۱۲۳ جدید)، ۹۷ (۱۲۴ جدید)، ۹۸ (۱۲۲ جدید)، ۹۹ (۱۲۹ جدید)، ۱۰۰ (۱۲۸ جدید)، ۱۰۱ (۱۲۵ جدید)، ۱۰۲ (۱۳۰ جدید) به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید. این روند تا پایان نشست پنجاهم، به استناد مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی درباره اصول گوناگون مربوط به قوه مجریه، جز اصل مورد نظر ادامه یافت. به سخن دیگر ویژگی های رئیس جمهوری در زمانی که بحث درباره اصول مربوط به قوه مجریه مطرح و در جریان بوده، در نشستهای مورد نظر، بررسی و تصویب نشده است، بلکه این اصل در نشست ۶۴ بررسی قانون اساسی مطرح و پیشنهاد شده است.

در حالی که اصل ۱۱۵ جدید قانون اساسی، نخست در پیش نویس اولیه قانون اساسی و ماده ۷۶ پیشنهادی، بدین شرح بوده است:

«رئیس جمهور باید مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد»^{۱۱}، در نشست ۶۴، بوسیله نایب رئیس زیر عنوان اصل ۸۸/۱، به این شرح خوانده شد:

«اصل ۸۸/۱- رئیس جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد.»^{۱۱}

البته نایب رئیس مجلس بی درنگ پس از خواندن این متن، گفت:

«يك متن به جای این پیشنهاد شده که می خوانم: رئیس جمهور باید از بین رجال دینی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد. ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن و حسن سابقه و امانت و تقوا مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی باشد.»^{۱۲}

پس از خواندن این متن، یکی از نمایندگان گفت که: «این از متن اولی بهتر است.»^{۱۳}

آقای عضدی نخستین مخالف این اصل، با آوردن دو شرط در این ماده که از دید او تحصیل حاصل بود، مخالفت کرد: یکی آوردن «قید مذهب رسمی کشور» که به اعتقاد وی شرط مسلمان بودن و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی بودن کافی بود و دیگری «مرد بودن». به باور او ذکر «مرد بودن هم لازم نیست، این هم تحصیل حاصل است.» وی پیشنهاد کرد: «رئیس جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی (لازم نیست مرد باشد) و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد.»^{۱۴}

آیت الله منتظری رئیس مجلس خبرگان، بعنوان نخستین موافق این ماده، به هر دو ایراد آقای عضدی پاسخ داد که تنها به بخشی از سخنان ایشان که به موضوع این نوشتار مربوط است اشاره می شود. آیت الله منتظری گفت:

«... و اما راجع به مسئله مرد بودن، ما مسلمات اسلام را نمی توانیم کنار بگذاریم و از طرفی نمی خواهیم به خواهران خودمان جسارتی شده باشد، یا حتی از آنها سلب کنیم. در مسئله حکومت و ولایت این اشتباه است که ما خیال می کنیم حق است، این مسئله وظیفه و مسئولیت است و مسئولیت باری سنگین است. چنانکه خدای تعالی به دوش عده خاصی بگذارد و زن ها را نخواهند این مسئولیت سنگین به دوششان بگذارند. این هتك حرمت به زنها نشده و حقوقی از آنها تضییع نشده است و من عرض کردم، در فقه اسلام، مسئله ولایت و مسئله قضاوت را گفته اند که مخصوص مردهاست و چون مسئولیت خیلی سنگینی است که عواقب زیادی دارد، فقط عرض کردم در قضاوت راجع به اموال، ابوحنیفه که یکی از مراجع اهل سنت است در قضاوت اموال فتوایش این است که زن می تواند قاضی بشود، آن هم قیاس کرده است با باب شهادت. چون اهل تسنن قیاس را حجت می دانند، ولی غیر از ابوحنیفه بقیه ائمه چهارگانه اهل سنت ولایت را می گویند منحصر به مرد است و قضاوت را هم آن سه نفر غیر از ابوحنیفه حجت می دانند. در فقه شیعه اتفاق علمای شیعه است، در جمع اعصار و ما این را مطمئن هستیم که خواهران ما چون معتقد

به این مرحله از تکامل و پویایی برسند، باز در مرتبه رهبریت و امامت نیستند، بلکه يك قدرت اجرایی است که از طریق رهبر، اگر لیاقتش را داشته باشند. یعنی دارای امانت و تقوا و حسن سابقه و مؤمن به مبانی اسلام باشند، می‌توانند احراز کنند، زیرا زن هم می‌تواند مؤمن و دارای امانت و تقوا باشد و قدرت سیاسی زن را اسلام امضا می‌کند، که این قدرت سیاسی زن برای مردان يك زمینه‌ای است که مردان عظیم به آن تکیه‌ای که به غیر، سخن می‌گویند، اشاره می‌کنند. و حالا اگر در اسلام نبوده، ما خلاف اسلام نمی‌خواهیم باشد، رهبر امضاء نمی‌کند. می‌گوییم بحثی نیست که ما این را بگذاریم و باعث ناراحتی شود و سد سبیل‌الله هم شود. چون بالاخره این راه باید باز شود و همه اگر امکان دارند، در این راه کار کنند، اگر نتوانند، نمی‌رسند، بنابراین گذاشتن این مورد چه نیازی است.»^{۱۶}

موافق بعدی آقای جواد فاتحی نماینده حوزه کردستان نیز به هر دو نکته مورد اعتراض مخالفان پاسخ داد. وی درباره شرط مرد بودن، از منظر دیگری وارد شد و گفت:

«... و اما مطلبی که خواهران خانم گرجی راجع به زن فرمودند هم‌طور می‌گویم که استاد محترم آقای منتظری فرمود، بحث از مسئولیت است و این يك بار سنگینی است که اسلام همواره رعایت کرده است. چون عاطفه و احساسات در زن قوی و عقل کم است (اعتراض نمایندگان) روی این اصل خواسته است حکومت و قضاوت در اسلام به زن نرسد و این از مسلمات فقه اسلام است و اصل قیام ما از چهارده قرن قبل روی همین برنامه استوار بوده است که در اسلام حکومت به زن نمی‌رسد. بنابراین اینکه فرمودند «وکاله» چنین مطلبی نیست و رئیس‌جمهور عین حکومت و قضاوت است و در اسلام هم‌طور می‌گویم که خواهران تذکر دادند، تمام خواهران ما هم مسلمانند. آنچه را که اسلام به آنها داده است، می‌خواهند و اضافه نمی‌خواهند چون می‌دانند برخلاف حقیقت است و آنچه را که اسلام

به اسلام هستند و انقلاب ما هم انقلاب اسلامی است، مسلماً خواهران ما ناراحت نمی‌شوند از اینکه آن چیزی که مطابق موازین اسلامی است، بنویسیم.

این که آقای عضدی فرمودند توضیح و اباحت است. ما در مقام بیان هستیم و اگر بعضی از مطالب را در موقع بیان، ذکر نکنیم، این غلط است و به ما اشکالی وارد نمی‌شود که شما چرا تمام شرایط را ذکر نکردید یا باید شرایط ذکر نشود، ولی اگر ذکر شد، بایستی همه آن کامل باشد و ما تهاشی نداریم از گفتن حق و احکام اسلامی را بدون بیم می‌گوییم و مطمئن هستیم که نه خواهران ما ناراحت می‌شوند، نه برادران اهل سنت ما. زیرا برادران ما می‌دانند که اکثریت این مملکت شیعه مذهب هستند و خواهران هم می‌دانند که آنچه مطابق موازین اسلام است عمل خواهد شد و مسلماً حقوق هیچکس تضییع نخواهد شد و من پیشنهاد می‌کنم که نوشته بشود، برای اینکه اگر بخواهیم بنویسیم به ما اشکال می‌کنند که چطور شده است که این قید را در اصل نیآورده‌اند. البته با آن متن پیشنهادی که اول خوانده شد مخالف نیستیم، آن هم باشد، اشکالی ندارد.»^{۱۷}

درباره استدلال آیت‌الله منتظری مبنی بر اتفاق علمای شیعه بر مرد بودن والی یا قاضی، پس از این توضیح خواهیم داد. آنچه از سخنان ایشان برمی‌آید، همچنین سنگین بودن مسئولیت و تناسب نداشتن این سنگینی با ویژگی‌های زنان است. خانم گرجی، تنها نماینده زن عضو مجلس خبرگان، بعنوان مخالف با مرد بودن رئیس‌جمهوری در پاسخ گفت:

«وقتی که اکثریت مردم باید رأی بدهند، اگر خلاف شرع باشد، رأی نخواهند داد و همچنین مورد تأیید رهبر هم باید باشد. با توجه به اینکه در اینجا ولایت هم نیست و ولایت با رهبری و فقط تنفیذ امر است و يك قدرت اجرایی و يك وکالت است. اگر چنین چیزی در کشور اسلام نیست، چه دلیلی دارد هم قید اول را که مذهب رسمی کشور است و هم قید کلمه «مرد» بودن را دلرا باشد و به نظر من اصلاً این قید لازم نیست، زیرا با توجه به اینکه اگر احیاناً زنها

جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»^{۲۰} این اصل بی هر گونه بحث تازه از سوی اعضای مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی به رأی گذاشته شد و نتیجه رأی گیری چنین بود: عدّه حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۶۰ نفر، تعداد کل آراء ۶۰ رأی، موافق ۵۲ نفر، مخالف ۴ نفر و ممتنع ۴ نفر.

بدین سان این اصل جدید بی اظهار نظر موافقان و مخالفان به تصویب رسید.

آقای علی اکبر پرورش نماینده استان اصفهان در اعتراض به این روند گفت:

«قاعدتاً باید يك مخالف و يك موافق راجع به این اصل صحبت می کردند.»^{۲۱}

رئیس جلسه پاسخ داد:

«قبلاً به اندازه کافی صحبت شده بود.»^{۲۲}

آقای پرورش گفت:

«روی این اصل، اصلاً بحث نشده بود.»^{۲۳}

آقای هاشمی نژاد یکی از اعضای مجلس گفت:

«صبح راجع به آن خیلی بحث شد.»^{۲۴}

آنچه از مطالب مطرح شده درباره این اصل در نشستهای یاد شده، می توان دریافت، چنین است:

۱- شرط مرد بودن رئیس جمهوری در نخستین پیش نویس قانون اساسی مطرح نبوده است.

۲- گروه بررسی اصول قانون اساسی چند شرط برای رئیس جمهوری، افزون بر سه شرط یاد شده در نخستین پیش نویس، از جمله شرط «مرد بودن» را افزوده است.

۳- اصل ۸۸/۱ پیشنهاد شده از سوی گروه بررسی اصول با محوریت دو ویژگی چالش انگیز یعنی «داشتن مذهب رسمی» و «مرد بودن» را مجلس خبرگان پس از دوبار رأی گیری، در نشست شصت و چهارم رد می کند.

۴- آراء مخالف و ممتنع نمایندگان در نشست شصت و چهارم به اصل ۸۸/۱ با توجه به دو موضوعی که توسط مخالفان حول «مذهب رسمی» و «مرد بودن» عنوان می شود، بی گمان ناظر به همین دو ویژگی بوده است.

۵- در همان نشست، نایب رئیس جلسه متن پیشنهادی دیگری را می خواند که مورد بحث موافق و مخالف قرار نمی گیرد.

دارد، قبول می کنند و می دانند وقتی که اسلام این معنار را به آنها نداده است، اگر ما هم بدهیم، چون مسلمان و معتقد به اسلام هستیم، نمی پذیرند. بنابراین اسلام حکومت و قضاوت را از باب اینکه مسئولیت بار است، به آنها نداده است.»^{۱۷}

اصل ۸۸/۱ در مورد ویژگیهای رئیس جمهوری در نشست ۶۴ پس از سخنان موافقان و مخالفان به رأی گذاشته شد. در نخستین رأی گیری، نایب رئیس به علت تفاوت چشمگیر شمار حاضران و آرای داده شده، رأی گیری را مخدوش اعلام کرد و بار دیگر اصل ۸۸/۱ را به شرح زیر به رأی گذاشت:

«رئیس جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد.»

نتیجه رأی گیری دوباره چنین بود: عدّه حاضر ۶۲ نفر، تعداد کل آراء ۶۴ رأی (که ۲ رأی به قید قرعه حاضر می شود)، موافق ۳۵ رأی، مخالف ۸ رأی، ممتنع ۹ رأی که این اصل در نشست یاد شده به تصویب نرسید.^{۱۸}

آقای لطف الله صافی نماینده استان مرکزی، در واکنش به نتیجه رأی گیری، در حال خروج از جلسه گفت:

«معلوم می شود این امر مجلس احکام مسلم اسلام را هم قبول ندارد.»^{۱۹}

سخنان وی در همهت نمایندگان گم می شود.

اصل یاد شده در نشست بعد از ظهر (نشست ۶۵) به گونه دیگری به رأی گذاشته شد. آیت الله منتظری رئیس جلسه در میانه نشست شصت و پنجم گفت:

«... ما اصلی داشته ایم که قبل از ظهر مطرح شد، ولی تصویب نشد، هیأت رئیسه تغییری در متن آن داده است. الان با آن تغییرات بدون بحث مجدد آن اصل را به رأی می گذاریم:

اصل ۸۸/۱. رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی

چند به فاصله چند ساعت، این نکته به ذهن می آید که در رابطه با گروهی که نظر خود را از صبح تا بعد از ظهر تغییر داده اند، بین دو ماده به رأی گذاشته شده در محورهای مورد بحث، به لحاظ محتوایی، تغییر کیفی جدی صورت گرفته، به گونه ای که شمار موافقان از ۴۵ به ۵۲، شمار مخالفان از ۸ به ۴ و شمار کسانی که رأی ممتنع داده اند از ۹ به ۴ رسیده است. این بدان معنی است که باور این گروه که نظرشان تغییر کرده، منظور از «رجال مذهبی و سیاسی» نمی تواند «مردان» باشد و مراد از دارای «اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی» نمی تواند «دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی» باشد که اگر این دو دارای مضمون و محتوا دانسته می شد، به فاصله چند ساعت شاهد تغییر نظر آنان و تغییر آراء نمی بودیم.^{۲۵}

مبانی نظری استدلال مخالفان ریاست زنان

در مجلس خبرگان قانون اساسی

از آنجا که استناد موافقان مرد بودن رئیس جمهوری به دو محور زیر یعنی:

۱- اتفاق علمای شیعه و سنی بر اینکه مسئله ولایت و قضاوت، ویژه مردان است؛

۲- طبیعت زنان به لحاظ نیرومند بودن عاطفه و احساسات و کم بودن عقل یا پذیرش این مسئولیت تناسب ندارد،

برمی گردد، لازم است ضمن شرح دقیق این دو دیدگاه، به نقد فقها و علمای مخالف از دو محور یاد شده بپردازیم.

مبانی نظری طرفداران «مرد بودن» حاکم / رئیس دولت

آیت الله منتظری در بحث پیرامون شروط حاکم اسلامی، مرد بودن را از جمله شروط رهبری دانسته اند. هر چند ایشان می پذیرند که در فقه شیعه امامیه بایی با این عنوان گشوده نشده، ولی چون در باب قضاوت در ارتباط با صفات قاضی این مبحث به صورت گسترده مطرح گردیده، و حتی ادعای اجماع بر ضرورت مرد بودن قاضی شده است، با توجه به اینکه قضاوت شعبه ای از شعبه های حکومت و

۶- در نشست بعدی، متن پیشنهادی دیگری بی هر گونه بحث و تبادل نظر موافق و مخالف به رأی گذاشته می شود. این متن تازه کمابیش همان متنی بود که در نشست قبلی از سوی نایب رئیس خوانده شده بود، با چند تفاوت:

الف- در متن پیشنهادی صبح «رجال دینی و سیاسی» و در متن پیشنهادی بعد از ظهر «رجال مذهبی و سیاسی» آمده بود؛

ب- در متن پیشنهادی صبح آمده بود که رئیس جمهوری باید «دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن» باشد، در حالی که در متن پیشنهادی بعد از ظهر عبارت «معتقد به مذهب رسمی کشور» به جای آن نشسته بود؛

پ- در متن پیشنهادی صبح عبارت «مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی» و در متن پیشنهادی بعد از ظهر «معتقد به مبانی جمهوری اسلامی» آمده بود.

۷- متن اصل ۸۸/۱ که در نشست شصت و چهارم رد شد و اصل جایگزین ۸۸/۱ که در نشست شصت و پنجم به تصویب رسید، با توجه به دو نکته ای که مخالفان بر آن انگشت گذاشته و موافقان هم بیشتر درباره آن سخن گفته بودند، دو تفاوت عمده داشت:

الف- به جای شرط «مرد بودن»، عبارت «از میان رجال مذهبی و سیاسی» آمده بود.

ب- «دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن... و مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی» به «معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور» تبدیل شده بود.

۸- با توجه به اعتراض یکی از نمایندگان مبنی بر اینکه «در رابطه با متن جدید هیچ موافق و مخالفی صحبت نکرده است» و پاسخ رئیس جلسه و یکی از نمایندگان که «قبلاً به اندازه کافی بحث شده است»، به نظر می رسد برداشت رئیس و شماری از نمایندگان، این بوده است که توضیحات موافقان و مخالفان، شامل حال متن جایگزین هم می شود.

گذشته از آن، چون در مشروح مذاکرات غیر از اعتراض آقای پرورش، اعتراض دیگری به این روال رأی گیری ثبت نشده است، به نظر می رسد که این احتمال دستکم در رابطه با موافقان وجود داشته باشد.

۹- با توجه به تصویب نشدن ماده ۸۸/۱ از سوی نمایندگان در نشست صبح و تصویب همان ماده با اصلاحاتی

حکومت بحث کرده‌اند و به شرایط حاکم نیز پرداخته‌اند، مردی را از شرایط امام یا والی قرار داده‌اند و قرار گرفتن زن را در رأس قدرت جایز نشمرده‌اند.^{۲۹}

به اعتقاد علامه شمس الدین، چون متکلمان امامیه شرایط لازم برای حاکم / رئیس حکومت را که معیار تعیین یا انتخاب باشد، بررسی نکرده‌اند و در فقه نیز مسائل سیاسی حکومت از سوی فقیهان بررسی نشده است، به شرایط معتبر برای حاکم / رئیس حکومت - از جمله مرد بودن - پرداخته نشده است. از همین رو نمی‌توان مدعی شد که شرط مرد بودن برای حاکم / رئیس دولت، مورد وفاق - تا چه رسد به اجماع - بوده است؛ زیرا از هیچ فقیهی در این زمینه سخنی شنیده نشده است. هر کس درباره لزوم مرد بودن حاکم / رئیس دولت، بی‌آنکه به اجماع استدلال کند، یا امکان استدلال داشته باشد، تنها به دعوی اجماع بر سر لزوم مرد بودن قاضی و ملازمه داشتن قضاوت با حاکمیت / ریاست دولت استناد می‌کند.^{۳۰}

شمس الدین معتقد است استدلال به اجماع برای اثبات اینکه حاکم / رئیس دولت باید مرد باشد، منوط به دو امر است: نخست ثبوت اجماع بر سر اینکه باید قاضی مرد باشد؛ دوم ثبوت ملازمه میان قضاوت و حاکمیت / ریاست دولت در عصر غیبت... و هر دو امر غیر مسلم است؛ یعنی نه در این باره که قاضی باید مرد باشد، اجماع وجود دارد، نه میان قضاوت و حکومت در عصر غیبت ملازمه وجود دارد، زیرا قضاوت در دوران غیبت از اختیارات ثابت و مسلم حاکم / رئیس دولت به شمار می‌آید.^{۳۱} وی بر این باور است که با بررسی دقیق قرآن کریم، روایات و... نمی‌توان بر پایه کتاب، سنت، اجماع و وجوه استحسانی ثابت کرد که رئیس دولت باید مرد باشد و دلایل مطرح شده، هیچ‌یک دلالت بر این مدعا ندارد.^{۳۲}

آیت‌الله صانعی نیز از فقیهانی است که در این زمینه نظر داده‌اند. ایشان می‌گویند: شرط ذکوریت در قضاوت، همان‌گونه که در مرجعیت و ولایت شرط نیست، در قضاوت هم شرط نیست و معیار در جواز قضا، علم و معرفت به موازین اسلامی قضا و قوانین است و مرد بودن، خصوصیت ندارد و اگر کلمه «رجل» در روایتی آمده، حسب متعارف در

نشانی از شئون ولایت و بلکه از مهمترین شعبه‌های آن است، شاید بتوان دلیل‌های ضرورت مرد بودن قاضی را در باب اصل حکومت نیز مورد استناد قرار داد...^{۲۶}

ایشان همچنین با استناد به تفاوت زن و مرد در نظام آفرینش، مفهوم عدالت در فرهنگ اسلامی و سنگین بودن حکومت بعنوان امانتی الهی، معتقدند که حکومت با همه شعبه‌های آن از جمله قضاوت، در شمار وظایف خطیری است که به سر نوشت همه مردمان و مقدرات آنان مربوط می‌شود و کوتاهی در انجام دادن مسئولیت‌های آن، چه رسد به تقصیر، زیان‌های بسیار به بار می‌آورد و انجام دادن این مسئولیت‌ها اگر چه به عوطف نیز نیازمند است، بسی بیشتر به عقل و تدبیر و دقت و حوصله و توجه به پایان کارها نیازمند است، چنان‌که بر اهلش پوشیده نیست.

گذشته از آن، حکومت مستلزم سختی‌ها و مشکلات بسیار است و بی‌گمان گذاشتن چنین باری به دوش زنان، با ظرافت جسمی و روحی آنان و نیازشان به سکون و آرامش و فرار از درگیری‌ها منافات دارد.^{۲۷}

مشابه این نظر را، البته نه به این دقت و تفصیل، افراد دیگری نیز داده‌اند. آیت‌الله مرتضی مقتدایی نماینده مجلس خبرگان رهبری در پاسخ به پرسش کمیته زنان در مجلس ششم درباره اصل ۱۱۵ قانون اساسی، با بیان مسئله ولایت و اینکه ریاست جمهوری شاخه‌ای از ولایت است، در ولایت شرط مرد بودن را معتبر دانسته است. البته ایشان مرد بودن در ولایت را دلیل وجود نقص در خانم‌ها یا امری که برخلاف شأن و حرمت و منزلت آنها باشد، نمی‌داند، بلکه آن را ناشی از کیفیت آفرینش انسان و اختلاف زن و مرد در خلقت عنوان می‌کند.^{۲۸}

دیدگاه مخالفان

علامه شمس الدین در رابطه با فرایندی که به پافشاری بر شرط مرد بودن حاکم از سوی فقهای شیعه شده است، می‌نویسد:

فقهای شیعه امامیه، نه تنها مسئله قبول حکومت از جانب زن را در نوشته‌های خود نیاورده‌اند، بلکه در بحث‌های فقهی خود به شرط مردی حاکم نیز نپرداخته‌اند. متکلمان معاصر امامیه که در مورد

جهان کنونی توانسته است توانمندی و قوه عقلانی خویش را در عرصه‌های عملی و اداری و کشاکش‌های اجتماعی و حکومت‌داری، در مواضع متعدد و جوانب گوناگون، به تصویر بکشاند.^{۳۶}

آیت‌الله موسوی بجنوردی ضمن اینکه به روشنی دیدگاه خود را درباره‌ی واژه «رجل» بیان کرده است، می‌گوید: «مقصود از رجل سیاسی مذهبی در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، شخصیت سیاسی است، نه مرد سیاسی؛ و این معنی که در جوامع فرهنگی عربی متداول است، مثلاً می‌گویند رجل علم، رجل فضیلت، رجل اخلاق، رجل سیاست، یعنی شخصیت علمی و شخصیت فضیلت، شخصیت اخلاق و شخصیت سیاسی.»^{۳۷} در مورد قضاوت زنان نیز که برخی از فقها ادعای اجماع در رابطه با شرط مرد بودن قاضی را کرده و به استناد آن مرد بودن را از حوزه قضا به حوزه حکومت و ریاست تسری داده‌اند، می‌نویسد:

«فقیه فرزانه محقق اردبیلی (قده) ادله قائلین به اعتبار شرط رجولت قاضی را کافی ندانسته و بر آن است که هر گاه اجماعی بودن این شرط ثابت نشود، ظاهراً دلیلی بر جایز نبودن قضای زن در مسائلی که ورود زن به آن مسائل شرعاً منع نکرده، نداریم.»^{۳۸}

بدین سان می‌بینیم که ایشان نیز با طرح و توضیح تشکیک محقق اردبیلی نسبت به اجماع ادعایی بر سر شرط مرد بودن قاضی، این نگرش را مردود می‌داند، بگذریم از اینکه به گونه شفاف نظر خود را پیرامون ریاست و حکومت زنان نیز اعلام کرده است.

آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی از دیگر علمای صاحب نظر در این زمینه می‌گوید:

«آنچه مسلم است نه در شرع و نه در فقه، هیچ گونه منعی برای رئیس جمهور شدن خانمها وجود ندارد و طبق نظر بسیاری از فقها، زنان فقط نمی‌توانند در پست قضاوت، امام جمعه و مرجعیت و رهبری مسئول شوند...»^{۳۹}

بهره سخن

با توجه به پرسشهایی که در آغاز این نوشتار مطرح شد و فرضیه‌های مورد اشاره، از آنچه گذشت، برمی‌آید که:

مکالمات است و آن روایت، همانند بقیه روایات و مکالمات که تعبیر به رجل شده و می‌شود، قطعاً خصوصیت ندارد و کما این که مردان از قبیل ائمه معصوم مجاز در تصدی قضا هستند، زنان هم از قبیل آنان مجازند.^{۳۳}

بدین سان، چون شرط مرد بودن در امر حکومت و ولایت و امارت از سوی برخی علما به استناد شرط مرد بودن قاضی عنوان می‌شود، پاسخ آیت‌الله صانعی در این زمینه راهگشاست. ایشان همچنین در مصاحبه با خبرنگار روزنامه آساهی زاین آشکارا در باب ریاست جمهوری زنان گفته‌اند:

زنان در حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مثل مردها هستند و لذا زن می‌تواند رئیس جمهور و ولی فقیه بشود، چه رسد به بقیه مقامات (وزارت، قضاوت، وکالت و...) خلاصه آنکه زن انسان است. پس در همه حقوق مساوی با انسان‌های دیگر است.^{۳۴}

آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله از دیگر فقهای شیعه نیز در باب صلاحیت زنان برای عهده گرفتن مسئولیت ریاست و حکومت کشور، به استناد معرفی شدن ملکه سبا (بلقیس) در قرآن کریم بعنوان زنی که از توانایی عقلی و برنامهریزی و هوشمندی برتری نسبت به مردان برخوردار بوده است، می‌نویسد:

«این تصویر که قرآن کریم - از بلقیس - به ما نشان می‌دهد، نمایشگر چه دیدگاه اسلامی است؟ و آیا اصولاً این دیدگاه می‌تواند چنان باشد که بر اساس آن، زن را شایسته حاکمیت ندانیم و عقل او را برای حضور در موقعیت‌های مسئولانه ناقص و ناکارآمد تلقی کنیم؟»^{۳۵}

ایشان ضمن رد دلایلی که ناظر به ناسازگاری طبیعت زن به علت ضعف یا نقصان عقل با ریاست دولت است می‌گوید: «زن در برخی حالت‌ها، عقل و علم بیشتری نسبت به مردان از خود نشان داده است. «ضعف» به زن اختصاص ندارد، بلکه زن و مرد را بالسویه در برمی‌گیرد. بنابراین زن هم می‌تواند (همچون مرد) پس از چیرگی بر عوامل «ضعف» درونی نقاط قوتی را در وجود خویش فراهم آورد... زن در

به نظر می‌رسد تنها راه رفع ابهام در این زمینه، از یک سو نظر خواهی از نمایندگان تدوین کننده قانون اساسی باشد و از سوی دیگر تفسیر رسمی شورای نگهبان؛ و گرنه موافقان و مخالفان همچون گذشته بر پایه ظن خود در این زمینه به گمانزنی خواهند پرداخت.

یادداشت‌ها

۱. اصل ۹۸. تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم اعضا انجام می‌شود.

۲. خبرنگاری از سخنگوی شورای نگهبان درباره اینکه آیا این نهاد نظارتی آیین‌نامه‌ای درباره شناسایی رجل سیاسی دارد یا نه، پرسید. سخنگو در پاسخ با بیان اینکه قانون مدونی در این خصوص وجود ندارد، گفت: رجل سیاسی معنای عرفی خاص است که پشتوانه آن کار کرد ۸ دوره انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان در جهت معیار سازی بوده است... نظر شورای نگهبان درباره رجل سیاسی رویه شده است و این نهاد در این مدت، اجتهاد مستمر کرده است. (برای اطلاع بیشتر رک: سایت گیلان امروز، ۸۴/۲/۱۱).

۳. «چرا کاندیدای ریاست جمهوری شدم؟» پیام هاجر، شماره ۲۲۷.

۴. دبیر شورای نگهبان علت رد صلاحیت زنان در انتخابات ریاست جمهوری هفتم را نه به دلیل جنسیت آنها، بلکه به این دلیل که خانم‌هایی که ثبت نام کرده‌اند، شخصیت مذهبی و سیاسی نبودند، و به همین دلیل نیز نیازی به بررسی شرایط بعدی در رابطه با آنها وجود نداشت، عنوان کرد.

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۶. وی در نخستین اظهار نظرش در دوم آبان ۸۳ گفته بود: برداشت شورای نگهبان از واژه رجل در اصل ۱۱۵ قانون اساسی تاکنون به معنی جنس مرد بوده است. وی ضمن اشاره به این موضوع که روشن کردن معنای لغوی کلمه رجل وظیفه فرهنگستان زبان فارسی است، اظهار داشت که تاکنون از شورای نگهبان خواسته نشده تفسیر رسمی خود را در این زمینه ارائه دهند.

سخنگوی شورای نگهبان در اظهار نظر دیگری که در دوم بهمن ۸۳ از بولتن خبری تلویزیون (ساعت ۱۴ بعد از ظهر) پخش شد، گفت زمانی که دارای صلاحیت‌های لازم باشند، می‌توانند کاندیدای ریاست جمهوری شوند.

البته این اظهار نظر چند ساعت بعد از سوی او رد شد و گفت اصلاً مصاحبه‌ای با تلویزیون در این رابطه نداشته است. «هدف من همان توضیحاتی است که قبلاً داده‌ام و چیز اضافه‌تری نیست و من مفهوم

از دید بسیاری از روحانیون و علما، واگذاری مسئولیت به زنان، نه تنها منافاتی با شرع ندارد، بلکه به استناد آیات قرآن، امری پذیرفته شده است.

همچنین به استناد «من حکم به العقل، حکم به الشرع»، ریاست زنان، در جهان امروز امری است پذیرفته شده، و غیر شرعی دانستن آن در ایران، به نظر خلاف خرد جمعی می‌آید.

با توجه به مبهم بودن قانون، ضرورت رمزگشایی و رفع ابهام از قانون، گریز ناپذیر است. این امر بویژه به علت روشن نبودن نظر واقعی تدوین کنندگان قانون اساسی از عبارت «رجل مذهبی و سیاسی»، ضرورت بیشتری می‌یابد.

با توجه به هشت دوره پیشین انتخابات ریاست جمهوری و نامزد شدن زنان از دوره هفتم به این سو و ارائه نشدن دلیل رد صلاحیت آنان به حیث «زن بودن» در این دوره‌ها، نمی‌توان به شکل گیری عرف در برگزاری انتخابات در دوره‌های گذشته استناد کرد.

چون استناد به عرف، تنها در جایی معتبر است که قانون استناد به آن را مجاز دانسته باشد، در زمینه تفسیر اصل ۱۱۵ نمی‌توان به آن استناد کرد؛ ضمن آنکه آنچه واقع شده، فاقد عناصر مادی و روانی لازم برای شکل گیری بعنوان عرف است.

با توجه به مباحث پیش گفته، یعنی نظر روشن و شفاف برخی علما و فقها در رابطه با بحث ریاست و حکومت زنان، همچنین زیر سؤال رفتن بحث اجماع بر زن نبودن قاضی، والی یا حاکم از سوی فقها و علما اعم از متقدمان و متأخران که مبنای اصلی دیدگاه برخی علما و فقهای جدید مخالف با بحث قضاوت، وزارت و ریاست جمهوری زنان است، ضرور می‌نماید که بازنگری دوباره‌ای به موضوع مورد بحث، بویژه با توجه به تحولات چشمگیر داخلی و محیط پیرامون داشته باشیم؛ بویژه با توجه به بویایی فقه شیعه و باز بودن باب اجتهاد، فقها و علمای مخالف متناسب با تحولات زمان و پیشرفت‌هایی که در حوزه زنان صورت گرفته، باید نگاهی دوباره به مسائل در این زمینه داشته باشند.

به هر رو، با توجه به معنای «لغوی» رجل از یک سو و برداشت «مجازی» و اصطلاحی از این واژه از سوی دیگر، که موجب ایجاد شبهه و ابهام در کاربرد این واژه شده است،

۲۳. همان.
۲۴. همان.
۲۵. البته فرض دیگری نیز قابل تصور است و آن بی توجهی به مضمون ماده از سوی نمایندگان حاضر است، که با توجه به مطالب یکنواخت و خسته کننده جلسات، می تواند بعنوان يك فرض مورد نظر قرار گیرد.
۲۶. منتظری، حسینعلی، حکومت اسلامی، جلد دوم (امامت و رهبری) ترجمه و تقریر محمود صلواتی (تهران: نشر تفکر، ۱۳۷۹)، ص ۹۹.
۲۷. همان، صص ۱۰۹-۱۱۰.
۲۸. گرامی زادگان، اشرف، «ریاست جمهوری زنان در گرو تفسیر ولزهرجال»، شرق، ۱۳ بهمن ۸۳.
۲۹. محمد مهدی شمس الدین، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی (تهران: بعثت، ۷۶).
۳۰. همان، ص ۱۰۵.
۳۱. همان، ص ۱۰۶.
۳۲. همان، صص ۱۱۹-۱۲۰.
۳۳. منتخب الاحکام (مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صانعی)، (قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۰)، ص ۲۹۸، سؤال ۷۷۵.
۳۴. سایت آیت الله صانعی istifta@saanei.org صفحه حقوق زنان.
۳۵. سید محمد حسین فضل الله، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، (تهران: دادگستر، ۷۸)، ص ۲۸.
۳۶. همان، ص ۵۹.
۳۷. شرق، پیشین.
۳۸. سید محمد موسوی بجنوردی، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی (تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی (۱۳۸۱) ص ۳۷۹.
۳۹. خبرگزاری مهر، ۸۳/۸/۵.
- جنسیت رانفی نکرده ام. البته مفهوم شخصیت برجسته داشتن در معنای رجال است.»
- خبرگزاری مهر در خبر دیگری به نقل از او می نویسد: تاکنون تفسیر رسمی در این باره از سوی شورای نگهبان ارائه نشده است، اما شورای نگهبان از این کلمه برداشت جنسیتی داشته و در مذاکرات خبرگان تدوین کننده قانون اساسی نیز توجه به جنسیت بوده، یعنی مرد بودن (خبرگزاری مهر ۸۳/۸/۸).
- وی در آخرین اظهار نظر خود در خصوص ثبت نام زنان و نظر شورا گفت: نظر شورای نگهبان در خصوص نامزدی زنان در انتخابات ریاست جمهوری بارها به روشنی اعلام شده و در مورد این ثبت نام کنندگان نیز در زمان مناسب اعلام خواهد شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸۴/۲/۲۴).
۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چهار جلد، جلد دوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۴)، ص ۱۲۱۰.
۸. همان، ص ۱۲۱۰.
۹. همان، ص ۱۲۳۲.
۱۰. همان، جلد چهارم، ص ۱۹۷.
۱۱. همان، جلد سوم، ص ۱۷۶۶.
۱۲. همان، همان صفحه.
۱۳. اظهارات آقای عرب در همان جلسه، همان، ص ۱۷۶۶.
۱۴. همان، صص ۱۷۶۶ و ۱۷۶۷.
۱۵. همان، ص ۱۷۶۸.
۱۶. همان، ص ۱۷۷۰.
۱۷. همان، ص ۱۷۷۱.
۱۸. همان، ص ۱۷۷۲.
۱۹. همان.
۲۰. همان، ص ۱۳.
۲۱. همان، ص ۱۷۷۹.
۲۲. همان.